

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ
وَصَلَّى اللَّهُ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ الطَّاهِرِينَ

خط‌مشی‌گذاری عمومی و ساخت اجتماعی واقعیت

مؤلفین:

دکتر حسن دانایی فرد

عضو هیئت علمی دانشگاه تربیت مدرس

دکتر مرتضی جوانعلی آذر

عضو هیئت علمی دانشگاه امام صادق (ع)



انتشارات
دانشگاه امام صادق علیه السلام

عنوان: خط‌مشی‌گذاری عمومی و ساخت اجتماعی واقعیت
تألیف: دکتر حسن دانایی فرد و دکتر مرتضی جوانعلی آذر
ناشر: دانشگاه امام صادق علیه‌السلام
صفحه‌آرا و ویراستار ادبی: رضا عبداللهی
طراح جلد: محمدمهدی پوروهاب
نمایه‌ساز و ناظر نسخه‌پردازی و چاپ: رضا دیبا
لیتوگرافی، چاپ و صحافی: سپیدان تهران
چاپ اول: ۱۳۹۸
قیمت: ۲۴۰/۰۰۰ ریال
شمارگان: ۱۰۰۰ نسخه
شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۲۱۴-۷۵۴-۷

تهران: بزرگراه شهید چمران، پل مدیریت، انتشارات دانشگاه امام صادق علیه‌السلام
صندوق پستی ۱۵۹-۱۴۶۵۵ • کد پستی: ۱۴۶۵۹۴۳۶۸۱ • تلفکس: ۸۸۳۷۰۱۴۲
فروشگاه اینترنتی: www.ketabesadiq.ir • [E-mail: pub@isu.ac.ir](mailto:pub@isu.ac.ir)

سرشناسه: دانایی فرد، حسن، ۱۳۴۸-
عنوان و نام پدیدآور: خط‌مشی‌گذاری عمومی و ساخت اجتماعی واقعیت/ تألیف: حسن دانایی فرد و مرتضی جوانعلی آذر.
مشخصات نشر: تهران: دانشگاه امام صادق (ع)، ۱۳۹۸.
مشخصات ظاهری: ۲۲۱ ص.
شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۲۱۴-۷۵۴-۷
موضوع: تصمیم‌گیری
موضوع: سیاست‌گذاری
موضوع: شناخت‌شناسی اجتماعی
شناسه افزوده: جوانعلی آذر، مرتضی، ۱۳۶۴-
شناسه افزوده: دانشگاه امام صادق (ع)
رده‌بندی کنگره: ۱۳۹۸ ج ۶ / ۲ / ۳۰ / ۳۳ HD
رده‌بندی دیویی: ۶۵۸/۴۰۳
شماره کتابشناسی ملی: ۵۶۶۷۷۶۴

تمام حقوق محفوظ است، هیچ بخشی از این کتاب بدون اجازه مکتوب ناشر قابل تکثیر یا تولید مجدد به هیچ شکلی از جمله چاپ، فتوکپی، انتشار الکترونیکی، فیلم و صدا و انتقال در فضای مجازی نمی‌باشد.
این اثر تحت پوشش قانون حمایت از حقوق مؤلفان و مصنفان ایران قرار دارد.

فهرست مطالب

سخن مرکز رشد	۱۳
مقدمه	۱۷
فصل اول. زمانه و زمینه ارائه نظریه ساخت اجتماعی واقعیت	۲۷
مقدمه	۲۷
۱. ریشه های نظری ساخت گرایی در اندیشه متفکران بزرگ غرب	۲۸
۱-۱. یونان باستان	۲۹
۲-۱. جیامباتیستا ویکو (۱۷۴۴-۱۶۶۸)	۲۹
۳-۱. ایمانوئل کانت (۱۷۲۴-۱۸۰۴)	۳۰
۴-۱. کارل مارکس (۱۸۱۸-۱۸۸۳)	۳۱
۵-۱. امیل دورکیم (۱۸۵۸-۱۹۱۷)	۳۱
۶-۱. جرج هربرت مید (۱۸۶۳-۱۹۳۱)	۳۲
۷-۱. ماکس وبر (۱۸۶۴-۱۹۲۰)	۳۲
۸-۱. لودویگ ویتگنشتاین (۱۸۸۹-۱۹۵۱)	۳۲
۹-۱. کارل مانهایم (۱۸۹۳-۱۹۴۷)	۳۳
۱۰-۱. آلفرد شووتز (۱۸۹۹-۱۹۵۹)	۳۴
۱۱-۱. پیتر برگر (۲۰۱۷-۱۹۲۹) و توماس لاکمن (۲۰۱۶-۱۹۲۷)	۳۵
۲. دلایل ورود ساخت گرایی به عرصه علوم اجتماعی	۳۷
۱-۲. از ناحیه فلسفه	۳۷

۳۸	۱-۱-۲. رکود فلسفه‌های کلاسیک علم
۳۸	۲-۱-۲. رواج رویکردهای تاریخی و جامعه‌شناختی به علم
۳۹	۲-۲. از ناحیه جامعه‌شناسی
۴۰	۱-۲-۲. وجود نظریه‌های زمینه‌ساز
۴۰	۲-۲-۲. پایان ناآرامی‌های اجتماعی دهه ۶۰
۴۱	۳-۲-۲. آغاز موج دوم فمینیسم
۴۱	۴-۲-۲. پذیرش ذهنی‌گرایی به عنوان راه‌حلی برای معضلات جامعه‌شناسی ..
۴۲	جمع‌بندی
۴۵	فصل دوم. چستی ساخت اجتماعی واقعیت
۴۵	مقدمه
۴۵	۱. چستی ساخت اجتماعی واقعیت
۴۶	۱-۱. تعریف ساخت اجتماعی واقعیت
۴۷	۱-۱-۱. تعریف ساخت‌گرایی در حوزه‌های تخصصی
۴۸	الف. در فلسفه علم
۴۸	ب. در جامعه‌شناسی
۴۹	۲-۱-۱. تعریف ساخت‌گرایی از طریق گونه‌شناسی‌ها
۴۹	الف. گونه‌شناسی وینسنت پاریلو
۵۰	ب. گونه‌شناسی آندره کوکلا
۵۱	ج. گونه‌شناسی اسکات هریس
۵۲	د. گونه‌شناسی یان هکینگ
۵۳	۳-۱-۱. جمع‌بندی و ارائه تعریف متناسب با فضای خط‌مشی‌گذاری
۵۸	۲-۱. ویژگی‌های ساخت‌های اجتماعی
۵۸	۱-۲-۱. ویژگی‌های نظریه‌های ساخت‌گرا
۵۹	۲-۲-۱. ویژگی‌های ساخت‌های اجتماعی
۶۰	الف. ساخت‌های اجتماعی بر اساس عاملیت کنشگران به وجود می‌آیند ..
۶۱	ب. ساخت‌های اجتماعی فرهنگی و تاریخی هستند

فهرست مطالب □ ۷

ج. ساخت های اجتماعی قابل تغییر هستند	۶۱
د. ساخت های اجتماعی شیء گونه می شوند	۶۲
ه. ساخت های اجتماعی آثار خارجی دارند	۶۲
و. ساخت های اجتماعی از طریق زبان تولید می شوند	۶۳
ز. ساخت های اجتماعی در راستای بازتولید برآیند قدرت تولید می شوند	۶۵
ح. ساخت های اجتماعی ذات ندارند	۶۷
جمع بندی	۶۸
فصل سوم. چرایی ساخت اجتماعی واقعیت	۶۹
مقدمه	۶۹
۱. چرایی نیازه ساخت های اجتماعی	۶۹
۲. چرایی نیازه مطالعه نظریه ساخت اجتماعی واقعیت	۷۲
جمع بندی	۷۴
فصل چهارم. چگونگی ساخت اجتماعی واقعیت	۷۵
مقدمه	۷۵
۱. مدل اشنايدر و اینگرام	۷۶
۱-۱. اصول مدل خط مشی گذاری عمومی با توجه به ساخت های اجتماعی	۸۱
۱-۱-۱. قضیه اول	۸۱
۱-۱-۲. قضیه دوم	۸۲
۱-۱-۳. قضیه سوم	۸۶
۱-۱-۴. قضیه چهارم	۸۷
۱-۱-۵. قضیه پنجم	۸۷
۱-۱-۶. قضیه ششم	۸۸
۲-۱. نقطه ضعف اصلی مدل اشنايدر و اینگرام	۸۹
۲. مدل دانیلین لوزیک	۹۰
۱-۲. مفاهیم پایه بازی ساخت مسائل اجتماعی	۹۲

- ۹۲..... ۱-۱-۲. مسئله اجتماعی
- ۹۳..... الف. امری نامطلوب
- ۹۸..... ب. فراگیر یا گسترده
- ۹۹..... ج. قابل حل
- ۱۰۱..... ۲-۱-۲. ادعا
- ۱۰۳..... ۳-۱-۲. ادعاسازان
- ۱۰۳..... الف. انواع ادعاسازان
- ۱۰۴..... ب. انگیزه‌های ادعاسازان
- ۱۰۶..... ج. سلسله مراتب اعتبار ادعاسازان
- ۱۰۷..... ۴-۱-۲. حضار
- ۱۰۸..... ۵-۱-۲. رقابت ادعاها
- ۱۰۹..... الف. رقابت با مسائل زندگی روزمره
- ۱۰۹..... ب. رقابت با مسائل اجتماعی
- ۱۱۰..... ۲-۲. فرایند ساخت مسائل اجتماعی
- ۱۱۰..... ۱-۲-۲. راهبردهای موفقیت در ادعاسازی
- ۱۱۱..... الف. در نظر گرفتن ارزش‌های محوری حضار
- ۱۱۲..... ب. تأکید بر ترضیع ارزشی مناقشه‌ناپذیر
- ۱۱۳..... ج. تأکید بر ترضیع چند ارزش به صورت هم‌زمان
- ۱۱۴..... د. گره زدن ادعا با دغدغه‌های اجتماعی رایج
- ۱۱۵..... ه. بهره‌گیری از رسانه‌های با دامنه نفوذ بیشتر
- ۱۱۶..... ۲-۲-۲. راهبردهای موفقیت در مسئله‌سازی
- ۱۱۶..... الف. ارائه چارچوبی معتبر و منقح برای تحلیل شرایط
- ۱۱۹..... ب. مشابه‌نمایی شرایط ادعایی با ادعاهای تثبیت شده پیشین
- ۱۲۰..... يك. از طریق سوار شدن بر پشت ادعاهای موفق پیشین
- ۱۲۰..... دو. از طریق بسط قلمرو ادعاهای موفق پیشین
- ۱۲۲..... ج. گسترده جلوه دادن قربانیان

فهرست مطالب ۹۵

- د. محتمل و عادی جلوه دادن وقوع شرایط ادعایی برای تمامی حضار .. ۱۲۴
- هـ. ارائه پیامدهایی بسیار هولناک برای مسئله ادعایی ۱۲۵
- و. ارائه تصویری ساده و همه فهم از شرایط ۱۲۶
- ز. برانگیختن عواطف و احساسات حضار ۱۲۷
- ح. طرح ادعا در زمانی مناسب ۱۲۸
- ط. طرح ادعا به گونه ای متناسب با اقتضائات رسانه های عمومی ۱۳۰
- ی. طرح ادعا به گونه ای متناسب با اقتضائات دستگاه های متولی ۱۳۲
- ۲-۳. مقوله بندی مخاطبان بر اساس مسئله جدید ۱۳۲
- الف. قربانیان و راهبردهای ساخت قربانی ۱۳۴
- یک. شخصی بی گناه ۱۳۴
- دو. دارای تصویری مثبت ۱۳۴
- سه. شایسته همدردی ۱۳۵
- ب. مقصران و راهبردهای ساخت مقصر ۱۳۶
- یک. ساخت مقصرانی بی تقصیر ۱۳۷
- دو. ساخت مقصرانی شیطانی ۱۳۷
- سه. ساخت مقصرانی عادی ۱۳۸
- ۲-۴. جمع بندی بخش ۱۳۹
- ۲-۳. فرایند ساخت راه حل ۱۳۹
- ۲-۳-۱. تبیین رقابت های موجود در مرحله ساخت راه حل ۱۴۰
- الف. رقابت بر سر ویژگی های شرایط و افراد ۱۴۰
- ب. رقابت بر سر ارزش دارای اولویت ۱۴۱
- ج. رقابت بر سر منافع و پیامدهای حل مسئله ۱۴۱
- د. رقابت بر سر تأمین منابع مالی ۱۴۲
- ۲-۳-۲. دورویکرد اصلی در ساخت راه حل ۱۴۲
- الف. راهبردهایی برای پیروزی در نزد عموم حضار ۱۴۴
- یک. ساده بودن ۱۴۴

- دو. کم‌هزینه بودن ۱۴۴
- سه. فردی بودن ۱۴۴
- چهار. بهتر از خود مسئله بودن ۱۴۵
- ب. راهبردهایی برای پیروزی در نزد مقامات دولتی ۱۴۵
- یک. بیان راه‌حل به صورت علمی، کارشناسی و به زبان آمار و ارقام ۱۴۶
- دو. تأکید بر درمان به جای تأکید بر پیشگیری ۱۴۷
- سه. توجه به اقتضائات عالم قدرت و سیاست ۱۴۷
- چهار. یافتن کیفیاتی سازمانی ۱۴۹
- ۲-۳-۳. تحقق بخشی به راه‌حل ۱۵۰
- الف. رسمیت بخشی به راه‌حل ۱۵۱
- ب. عینیت بخشی به راه‌حل ۱۵۱
- ۲-۳-۴. تثبیت و دوام بخشی به راه‌حل ۱۵۲
- الف. در برابر فراموشی توسط حضار ۱۵۲
- ب. در برابر ادعاهای رقیب ۱۵۳
- جمع‌بندی ۱۵۳
- فصل پنجم. مروری بر مبانی فلسفی نظریه ساخت اجتماعی واقعیت ۱۵۷
- مقدمه ۱۵۷
۱. هستی‌شناسی ۱۵۸
- ۱-۱. هستی‌شناسی نظریه ساخت اجتماعی واقعیت ۱۵۹
- ۱-۲. نگاهی انتقادی به هستی‌شناسی خط‌مشی‌گذاری ساخت‌گرا ۱۶۲
۲. معرفت‌شناسی ۱۶۶
- ۱-۲. معرفت‌شناسی نظریه ساخت اجتماعی واقعیت ۱۶۸
۳. انسان‌شناسی ۱۶۹
- ۱-۳. انسان‌شناسی نظریه ساخت اجتماعی واقعیت ۱۷۰
- ۳-۱-۱. جبرگرایی یا اختیارگرایی؟ ۱۷۰
- ۳-۱-۲. ذات‌گرایی یا تکوین‌گرایی؟ ۱۷۳

فهرست مطالب ۱۱۵

۱۷۴	۲-۳. نگاهی انتقادی به انسان‌شناسی خط‌مشی‌گذاری ساخت‌گرا.....
۱۸۰	۴. ارزش‌شناسی.....
۱۸۱	۴-۱. ارزش‌شناسی نظریه ساخت اجتماعی واقعیت.....
۱۸۴	جمع‌بندی.....
۱۸۷	سخن پایانی.....
۱۹۳	منابع و مآخذ.....
۱۹۳	الف. منابع فارسی.....
۱۹۷	ب. منابع انگلیسی.....
۲۰۵	اسامی نویسندگان منابع انگلیسی.....
۲۰۹	واژگان فارسی به انگلیسی.....
۲۱۳	نمایه.....

فهرست شکل‌ها

۸۰	شکل ۱. ارتباط طرح خط‌مشی با ساخت‌های اجتماعی.....
۸۳	شکل ۲. گروه‌های هدف خط‌مشی‌های عمومی.....
۱۵۵	شکل ۳. مدل فرایند خط‌مشی‌گذاری ساخت‌گرا.....

سخن مرکز رشد

بیش از سی سال از تجربه دانشگاه امام صادق (علیه السلام) می گذرد. این دانشگاه در اولین سال های پس از پیروزی انقلاب اسلامی و در پاسخ به نیازهای گریزناپذیر این انقلاب، به همت و مساعی بی دریغ حضرت آیت الله مهدوی کنی (رحمه الله) تأسیس شد. اسلامیّت نظامی که به گونه ای اسلامی تشکیل شده است، متوقف بر داشتن برنامه ای برآمده از اسلام و مجریان و مسئولانی آگاه به مبانی اسلامی است و بدون این دو امر، حکومت اسلامی به مرور از درون تهی شده و به سوی حکومتی که صرفاً ظواهری اسلامی دارد، حرکت خواهد کرد. بیشترین چیزی که در سال های اول از این دانشگاه انتظار می رفت، تعلیم و تربیت دانش آموختگان آشنا و مؤمن به معارف دین مبین اسلام و همچنین آگاه به علوم انسانی و اجتماعی روز دنیا بود. در سه دهه گذشته، دانش آموختگان دانشگاه امام صادق (علیه السلام) با توشه ای که از خرمن عالم اخلاق، فقیه و اصولی کم نظیر، مرحوم حضرت آیت الله مهدوی کنی (رحمه الله) برچیده بودند و با تسلطی که بر مبانی اسلامی و علوم اجتماعی یافته بودند، در بخش های مختلف کشور مشغول به خدمت شدند و سعی نمودند تا حدی نیازهای انقلاب و ایران اسلامی را برآورده کنند.

با گذشت زمان و تعمیق و تفصیل نیازهای انقلاب اسلامی، از سویی، شدت نیاز به نیروی انسانی قدری کاهش یافت و از سوی دیگر، نیاز به تولید علوم انسانی و اجتماعی متناسب با تعالیم و آموزه های قرآن و سنت شدت گرفت. مرحوم حضرت آیت الله مهدوی کنی (رحمه الله) که در سیره علمی، عملی و مدیریتی خود، توجه به

«نیازهای روز» جامعه اسلامی را سرلوحه مساعی خود قرار داده بودند، در سال‌های اخیر و به ویژه پس از دیدار دانشجویان و اساتید دانشگاه امام صادق (ع) با مقام معظم رهبری ^{مدظله‌العالی}، وزن و اهمیت بیشتری را به موضوع تولید علم و مرجعیت علمی اختصاص دادند.

آنان که دانشگاه امام صادق (ع) و دانش‌آموختگان آن را می‌شناسند، به خوبی می‌دانند که ظرفیت تربیتی و علمی این نهاد برآمده از انقلاب اسلامی بسیار بیش از دستاوردهای موجود آن است. دانشگاه امام صادق (ع) در بین دانش‌آموختگان خود، افرادی مستعد و توانمند برای پیگیری و پیشبرد مسیر طولانی و سخت علمی را تربیت می‌کند، اما این افراد، پس از دانش‌آموختگی، مسیر و جایگاهی را برای پیگیری دغدغه‌ها و به ثمر نشان دادن همت‌های خود نمی‌یابند. با اینکه تعداد زیادی از این دانش‌آموختگان کوشای دانشگاه، سال‌های تحصیل را در فهم علوم اسلامی و تتبع در حوزه‌های تخصصی علوم اجتماعی طی می‌کنند و در پایان‌نامه‌های پژوهشی خود، ظرفیت شخصیتی و فکری خود را برای ادامه این مسیر به اثبات می‌رسانند، با مسیرها و سازمان‌هایی - اعم از علمی یا اجرایی - مواجه می‌شوند که با دغدغه‌هایی به نسبت بسیار سطحی‌تر، پاسخ‌گویی به نیازهایی دیگر را بر آنها تحمیل می‌نماید.

به نظر می‌رسد همان‌گونه که پاسخ‌گویی به نیازهای دهه‌های قبل انقلاب اسلامی، چندان از طریق الگوهای دانشگاهی و حوزوی مرسوم، اثربخش و موفق نبود و مرحوم حضرت آیت‌الله مهدوی‌کنی (ع) عمر خود را در ایجاد الگویی جدید صرف کرد؛ پیگیری و ثمردهی نیاز به تولید علم و مرجعیت علمی نیز با تبعیت و تقلید از الگوهای قدیمی و مرسوم پژوهشی ممکن نباشد. از سویی دانش‌آموختگان دانشگاه برای تمرکز و تأمل بر نیازهای علمی کشور و تولید دانش و نرم‌افزارهای مطلوب، راهی زمان‌بر، طولانی و پرپیچ‌وخم پیش‌رو دارند و از سوی دیگر، نظام اجرایی و علمی کشور، که سال‌ها از نرم‌افزارهای موجود و مرسوم غربی کپی‌برداری کرده است، به آماده‌خوری، هزینه نکردن و دم‌غنیمت‌شماری خو کرده است. از یک طرف، برای تولیدات و محصولات علوم انسانی اسلامی دانش‌آموختگان دانشگاه،

تقاضایی وجود ندارد و از طرف دیگر، برای نیازهای پیچیده و باعجله کشور، عرضه‌ای موجود نیست.

همین دغدغه، تنی چند از فرزندان مرحوم حضرت آیت‌الله مهدوی کنی (ره) را بر آن داشته است تا با طراحی مرکزی - موسوم به مرکز رشد - گامی در مسیر حلّ این چالش بردارند. مرکز رشد، هم برای حلّ معضلات پیش‌گفته و هم به منظور ابتناء بر اندیشه‌های تربیتی و مدیریتی اسلام، لازم بوده است تا الگوهای جدید سازمانی و تعامل علمی و تربیتی را طراحی و اجرا نماید که این مجمل مجال بسط و تشریح آن نیست. مرکز رشد دانشگاه امام صادق (ره)، برای پاسخ‌گویی به نیازهای پیش‌گفته در علوم انسانی و اجتماعی، راهی جز تربیت، حفظ و معرفی «نظریه‌پردازان» علوم انسانی و اجتماعی اسلامی سراغ ندارد و این تربیت، حفظ و معرفی را چیزی بسیار بالاتر و متعالی‌تر از حمایت‌ها یا استخدام‌ها یا پروژه‌های پژوهشی مرسوم می‌شمارد.

مقدمه

هر روز صبح که از خواب برمی‌خیزیم، برنامه روزانه خود را مرور می‌کنیم و تلاش می‌کنیم تا با کسب آمادگی لازم، روز خود را به گونه‌ای شروع کنیم که به انجام تمام کارهایمان برسیم. پس از خوردن صبحانه در کنار اعضای خانواده، به سمت محل کار خود حرکت می‌کنیم، از خیابان‌های مختلف عبور می‌کنیم، وارد خیابان‌های یک طرفه، طرح ترافیک و... نمی‌شویم؛ با دیدن چراغ قرمز می‌ایستیم و با سبز شدن آن به حرکت خود ادامه می‌دهیم. در نزدیک محل کار خود روی خود را در محلی مناسب پارک می‌کنیم و برای جلوگیری از جریمه شدن، همانند سایر شهروندان هزینه توقف را به پارکبان می‌پردازیم. وارد سازمان می‌شویم؛ از آخرین برنامه‌های سازمان و دستورات رئیس مطلع می‌شویم. با همکاران خوش و بشی می‌کنیم و فعالیت‌های خود را شروع می‌کنیم. روز را به همین منوال می‌گذرانیم و در پایان روز، بعد از انجام خریدهای لازم به خانه برمی‌گردیم...

به غیر از روزهای تعطیل، هر روز خود را کم‌وبیش به همین صورت به پایان می‌رسانیم و با درآمد حاصل از این کار روزگار می‌گذرانیم. با پرداخت پول و صادر کردن چک مایحتاج زندگی روزمره خود را تهیه می‌کنیم، قراردادهای گوناگونی نظیر خرید و فروش، اجاره و... می‌بندیم. از خدمات سازمان‌ها و مؤسسه‌های گوناگونی نظیر دانشگاه‌ها، مدارس، بیمارستان‌ها، بانک‌ها، مراکز تفریحی و... استفاده می‌کنیم و...

آنچه تاکنون بیان شد توصیفی بود از آنچه هر روز برای بسیاری از افراد اتفاق

می‌افتد، حال اجازه دهید تا ضمن مرور دوباره مطلب فوق، برخی از مفاهیم آن را بیشتر مورد تأمل قرار دهیم. مفاهیمی چون «خانواده»، «محل کار»، «خیابان یک‌طرفه»، «طرح ترافیک»، «محل مناسب»، «جریمه»، «شهروند»، «چراغ قرمز»، «سازمان»، «رئیس»، «همکار»، «روز تعطیل»، «پول»، «چک»، «قرارداد»، «خرید و فروش»، «اجاره»، «دانشگاه»، «مدرسه»، «بیمارستان»، «بانک»، «مراکز تفریحی» و... چگونه مفاهیمی هستند؟ آیا همان‌گونه که ما با آن‌ها برخورد می‌کنیم واقعاً وجودی خارجی^۱ و مستقل از ما انسان‌ها دارند؟ و یا اینکه وجود آن‌ها وابسته به ماست و به عبارت دقیق‌تر این ما هستیم که آن‌ها را می‌سازیم؟ اگر این چنین است، فرایند این ساخت ناخودآگاه چیست و چرا ما هرگز متوجه این فعالیت اساسی و سرنوشت‌ساز زندگی خود نمی‌شویم؟^۲ فارغ از علل و دلایل ایجاد شدن این مفاهیم، اگر ساخت آن‌ها توسط خود ماست پس چرا مجبور به پیروی از آن‌ها هستیم و به عبارت بهتر چرا وجود آن‌ها را عینی^۳ و تخلف‌ناپذیر می‌یابیم (لوپز و اسکات، ۱۳۸۵: ۴۵؛ فرهنگی، ۱۳۸۳-۱۳۸۴: ۱۲۵)؟

هرچند جریان عادی زندگی روزمره به بسیاری از افراد هرگز این اجازه را نمی‌دهد که در مورد بسیاری از مفاهیم و سؤال‌هایی نظیر سؤال‌های فوق بیندیشند، اما فیلسوفان و جامعه‌شناسان همواره خود را با این‌گونه سؤال‌ها مواجه می‌دانند (گوبریوم و هولستین، ۲۰۰۸: ۷)، چرا که یافتن پاسخی صحیح برای آن‌ها تأثیرات گسترده‌ای بر فهم و اداره (جان، ۲۰۰۶: ۵۵) زندگی اجتماعی انسان‌ها خواهد داشت.

از همین‌رو تاکنون جریان‌های گوناگونی در حوزه فلسفه علوم اجتماعی تلاش کرده‌اند به این‌گونه سؤال‌ها پاسخ دهند. از طرفداران ساخت اجتماعی واقعیت^۴ (برگر و لاکمن، ۱۹۶۷) گرفته تا پیروان رویکرد ساخت واقعیت اجتماعی^۵ (سرل،

1. Out there

۲. البته باید توجه داشت که هر چند می‌توان اغلب مفاهیم یاد شده را در ذیل عنوان کلی ساخت‌های اجتماعی طبقه‌بندی کرد، با این وجود این مفاهیم نیز در بین خود تفاوت‌های جدی با هم دارند و در این کتاب نیز صرفاً به فرایند ساخت و تولید برخی از این مفاهیم. که در حوزه خط‌مشی‌گذاری مورد توجه قرار گرفته‌اند. پرداخته خواهد شد.

3. Objective

4. Social construction of reality

5. Construction of social reality

۱. جریان‌هایی^۲ که به‌رغم آنکه همگی آن‌ها در ذیل مفهوم کلی «ساخت‌گرایی اجتماعی»^۳ طبقه‌بندی می‌شوند^۴، با این وجود اختلاف‌های زیادی بین آن‌ها وجود دارد و این مسئله ارائه تعریفی دقیق از این مفهوم را به امری غیرممکن یا بسیار دشوار تبدیل کرده است^۵ (چاپ‌ک، ۱۳۸۷: ۱۲۶)، تعریفی که ضمن دربرگرفتن تمامی افکار منتسب به این جریان، بتواند حدود و ثغور آن را نیز مشخص کند؛ در نتیجه می‌توان گفت جریان‌های منتسب به ساخت‌گرایی اجتماعی را می‌توان صرفاً براساس نوعی «شباهت خانوادگی»^۶ شناخت، چرا که این جریان‌ها به‌رغم نداشتن مشخصه و ممیزه واحد، به‌گونه‌ای کلی شبیه به هم هستند.^۷

۱. این کتاب ضمن ارائه نظریه‌ای درباره تبیین واقعیت اجتماعی، در واقع جوابیه‌ای تند علیه کتاب «ساخت اجتماعی واقعیت» است (اولیایی، ۱۳۸۹: ۳۹).

۲. جریان‌هایی نظیر روان‌شناسی انتقادی (critical psychology)، تحلیل‌گفتمان (discourse analysis)، ساخت‌زدایی (deconstructionism) و پسا‌ساختارگرایی (post structuralism) از این جمله هستند (بور، ۲۰۰۳: ۱).

3. Social constructionism

۴. گاهی رویکرد ساخت‌گرایی (constructionism) با رویکرد برساخت‌گرایی (constructivism) مشابه قلمداد می‌گردد، حال آنکه این دو رویکرد تفاوت‌های آشکار و گسترده‌ای با هم دارند. در حالی که رویکرد ساخت‌گرایی ناظر به بررسی ماهیت واقعیت‌های اجتماعی بوده و در حوزه‌هایی نظیر جامعه‌شناسی، انسان‌شناسی و برخی از گرایش‌های روان‌شناسی به کار گرفته می‌شود، رویکرد برساخت‌گرایی ریشه در نظریه پیازه پیرامون ادراک دارد و در مطالعات ناظر به تبیین فرایند تولید علوم، ریاضی، فناوری و... به کار گرفته می‌شود (گوبریوم و هولستین، ۲۰۰۸: ۸؛ بور، ۲۰۰۳: ۱۹؛ یوسفیان و موسوی کریمی، ۱۳۸۹).

۵. در برخی نوشته‌ها عبارت «ساخت اجتماعی» مترادف با عبارت «social structure» به کار رفته است (برای مثال: لوپز و اسکات، ۱۳۸۵؛ موسوی، ۱۳۸۷؛ توسلی، ۱۳۶۷)، حال آنکه به نظر می‌رسد «ساختار اجتماعی» ترجمه‌ای بهتر برای این عبارت باشد. آنچه تبیین آن ضروری به نظر می‌رسد این است که هر چند ساختار اجتماعی خود ساختی اجتماعی است، منتها با موضوع این کتاب تفاوت زیادی داشته و در نتیجه در متن حاضر هر جا عبارت «ساخت اجتماعی» به کار رفته، منظور «social construction» است.

6. Family resemblance

۷. این شباهت کلی را می‌توان در اعتقاد این جریان‌ها به اصول خاصی مشاهده کرد؛ اصولی که می‌توان اعتقاد به آن‌ها را شرط ساخت‌گرا بودن دانست (بور، ۲۰۰۳: ۲)؛ برخی از این اصول عبارت‌اند از:

- داشتن نگرشی انتقادی به جای مفروض‌گرفت صحت دانش (بور، ۲۰۰۳: ۲).
- ویژگی تاریخی و فرهنگی داشتن دانش (بور، ۲۰۰۳: ۳).
- ساخت و تأیید دانش به‌گونه‌ای اجتماعی (بور، ۲۰۰۳: ۴).

در هر حال فارغ از مناقشات مفهومی فوق^۱، نگاه ساخت‌گرایانه به پدیده‌های اجتماعی طی پنجاه سال گذشته در جوامع دانشگاهی غربی در رقابت با رویکردهای اثبات‌گرایانه به نگاهی رایج تبدیل شده است (بور، ۱۹۹۵: ۱)؛ بحث‌هایی که علاوه بر ابعاد نظری گسترده تا مرز طراحی روش‌های پژوهش متناسب با حوزه‌های گوناگون رسیده (گویریوم و هولستین، ۲۰۰۸) و تأثیرگذاری خود را در مقام عمل و در اداره جوامع و حتی در سطح خط‌مشی‌گذاری عمومی نیز نشان داده‌اند؛ چراکه علی‌رغم این باور ابتدایی که دو حوزه ساخت اجتماعی واقعیت و خط‌مشی‌گذاری عمومی^۲ دو موضوع غیرمرتبط هستند (اشنایدر و اینگرام، ۲۰۰۸: ۲۰۷) اما نگرشی عمیق‌تر بیانگر آن است که در هر مدل خط‌مشی‌گذاری به گونه‌ای آگاهانه یا غیرآگاهانه شناختی از واقعیت اجتماعی نهفته است (کلارک و ساراگا، ۱۹۹۸: ۱)؛ از همین روست که طرفداران ساخت اجتماعی واقعیت معتقدند که ساخت اجتماعی واقعیت در خط‌مشی‌گذاری مستتر بوده (اشنایدر و اینگرام، ۲۰۰۸: ۱۹۴) و در قلب آن قرار دارد (اشنایدر و اینگرام، ۲۰۰۸: ۲۰۷)، چه آنکه در این رویکرد ساخت و تغییر واقعیات اجتماعی رسالت اصلی خط‌مشی‌گذاری عمومی است (پارسازاده و شقاقی، ۱۳۸۸: ۵۷).

توضیح بیشتر آنکه ساخت اجتماعی از طرق گوناگونی نظیر تأمین خردمایه توجه بیشتر دولت و حکومت به یک گروه و یا تسلط گروهی بر سایر گروه‌ها (اشنایدر و اینگرام، ۲۰۰۵: ۳) نقشی مهم در حکمرانی دارد (اشنایدر و اینگرام، ۲۰۰۵: ۲) و این تأثیر مهم اتفاق نمی‌افتد مگر از طریق خط‌مشی‌گذاری‌های حساب شده؛ چرا که خط‌مشی‌گذاری عمومی با ظرفیتی که در زمینه مدیریت ساخت‌های اجتماعی دارد

• حرکت توأمان دانش و کنش اجتماعی (بور، ۲۰۰۳: ۵) (مردم با کنش‌های خود ساخت‌ها را تولید می‌کنند و ساخت‌ها کنش‌های مردم را شکل می‌دهند).

۱. در فصل اول و در ضمن بحث پیرامون چیستی «ساخت اجتماعی واقعیت» در این مورد به تفصیل مطالبی ارائه خواهد شد.

۲. در حالی که ترجمه دقیق عبارت «Public Policy Making» عبارت «خط‌مشی عمومی‌گذاری» است، نظر به رایج بودن ترجمه این عبارت به صورت «خط‌مشی‌گذاری عمومی» در این کتاب نیز این عبارت به همین صورت ذکر شده است.

(اشنایدر و اینگرام، ۲۰۰۵: ۱۲) در واقع ابزاری است برای ایجاد، برجسته‌سازی، تثبیت، نهادی کردن و در نهایت تغییر ساخت‌های اجتماعی (اشنایدر و اینگرام، ۲۰۰۵: ۵).^۱

در همین راستا امروزه رویکرد ساخت اجتماعی واقعیت با تأکید خود بر ابعاد نمادین، تفسیری و گفتمانی، تأثیر عمیقی بر مطالعات خط‌مشی‌گذاری گذاشته است (اشنایدر و اینگرام، ۲۰۰۸: ۱۹۰). مهم‌تر آنکه همان‌گونه که بیان شد این رویکرد صرفاً در حد تبیینی فلسفی باقی نمانده و حتی به مدلی برای طراحی خط‌مشی‌ها (نیکلسون کروتی و میپر، ۲۰۰۵: ۲۲۳) و اداره زندگی مردم نیز (ساراگا، ۱۹۹۸: ۱۸۹) تبدیل شده است؛ مدلی که می‌تواند در تمامی مراحل خط‌مشی‌گذاری، از تشخیص مسئله (اشنایدر و اینگرام، ۲۰۰۸: ۱۹۱؛ کلارک و کچران، ۱۹۹۸: ۳) تا اجرای خط‌مشی‌ها، خط‌مشی‌گذاران رایاری کند (نیکلسون کروتی و نیکلسون کروتی، ۲۰۰۴).

البته ذکر این نکته ضروری به نظر می‌رسد که هر چند این مدل ابتدا با هدف کمک به هر چه دموکراتیک‌تر شدن اداره جامعه ارائه شده است (اینگرام و همکاران، ۲۰۰۷: ۹۳)؛ با این وجود امروزه شاهد آن هستیم که از این ابزار نیرومندی حل مسائل اجتماعی در عرصه‌های گوناگونی نظیر سلامت و بهداشت عمومی [نظیر مشکلات دوران جنینی (دانیلس، ۱۹۹۷)، مصرف دارو (کروتس، ۲۰۰۰)، سیگار (دانلپ و همکاران، ۲۰۰۵) و الکل (هرد، ۲۰۱۱)، بیماری‌ها (کنراد و بارکر، ۲۰۱۰)، به ویژه ایدز (زئو، ۲۰۰۷)]، مسائل خانوادگی [نظیر بایسته‌های مادری (وگار، ۱۹۹۷)، ازدواج (آنیسیت و سولوسکی، ۲۰۱۱)، خشونت درون خانواده (مهرترا، ۱۹۹۹) طلاق و عوارض آن (کلترن و آدامز، ۲۰۰۳) و در نهایت تولد تا مرگ (دوریس، ۱۹۸۱)]، مسائل اجتماعی [نظیر موضوعات مربوط به نژادها (چانگ و فیشر، ۱۹۹۹؛ اندرسون، ۲۰۰۰؛ لویس، ۱۹۹۸، ۸۵)، جنسیت (ویتزر، ۲۰۰۷؛ مالچ، ۱۹۹۹؛ ریگوی، ۱۹۹۱؛ کیتل، ۱۹۹۹؛ لی، ۱۹۹۶، ساراگا، ۱۹۹۸، ۱۳۰)، اشتغال بانوان (بریکنر، ۲۰۰۶)، مسائل مهاجران (لاکرویکس، ۲۰۰۴؛ دینر، ۲۰۰۶)، افراد بی‌خانمان (میلز و اگموتو، ۲۰۰۸)،

۱. البته خط‌مشی‌ها نیز خود از ساخت‌های اجتماعی متأثر می‌شوند، از همین رو می‌توان ادعا کرد که تأثیر این دو برهم تأثیری متقابل است (اشنایدر و اینگرام، ۲۰۰۵: ۸).

افراد ناتوان (گُردُن، ۱۹۹۸: ۳۹)، جرائم و کنترل آن‌ها (رافتر، ۱۹۹۰)، خودکشی (پسکوسولیدو و مندلسون، ۱۹۸۶)، محیط زیست (هسینگ، ۲۰۰۳؛ هریک و جمیسون، ۱۹۹۵؛ کلوسترمن و کرامر، ۲۰۰۷)، سیاست خارجی (دوتی، ۱۹۹۳)، خط‌مشی‌های آموزشی (فروستد و راونبرگ، ۲۰۰۶؛ رامیرز و میر، ۱۹۸۰) و... استفاده می‌شود و گستره استفاده از این مدل نیز صرفاً محدود به کشورهای توسعه یافته‌ای نظیر نروژ (فروستد و راونبرگ، ۲۰۰۶)، سوئد (لاندکویست، ۲۰۰۰) و... نبوده و حتی در کشورهای کمتر توسعه یافته‌ای نظیر سنگاپور و تایلند (کوربیت، ۱۹۹۹)، فیلیپین (دوتی، ۱۹۹۳)، بنگلادش (غفور، ۲۰۰۰)، سنگال و گینه بیسائو (نیانگ و بویرو، ۲۰۰۷) نیز این مدل در طراحی خط‌مشی‌ها به کار گرفته می‌شود.

با توجه به آنچه تاکنون بیان شد می‌توان گفت:

- ۱- واقعیت‌های اجتماعی گونه‌ای خاص از واقعیت‌ها هستند که با واقعیت‌های فیزیکی تفاوتی آشکار دارند و همین امر موجب آن شده است که فلاسفه و عالمان حوزه علوم اجتماعی ضمن تأمل در باب این‌گونه از واقعیت‌ها، نظریه‌هایی را برای تبیین ماهیت و نحوه شکل‌گیری آن‌ها ارائه کنند. تلاش‌هایی که در حوزه فلسفه غرب به ارائه نظریه‌هایی که همگی در زیر چتر مفهومی به نام «ساخت اجتماعی واقعیت» گرد آمده‌اند، ختم شده است.
 - ۲- نوع نگاه به واقعیت‌های اجتماعی و اتخاذ مبنایی نظری در فهم آن، بر تبیین شیوه تولید و تغییر این واقعیت‌ها تأثیرگذار بوده و این موضوع نیز به نوبه خود بر شیوه مدیریت جامعه تأثیری عمیق خواهد داشت؛ نکته‌ای که مروری بر پژوهش‌های انجام شده با رویکرد ساخت اجتماعی واقعیت به خوبی بیانگر آن است.
- با توجه به دو مقدمه فوق می‌توان گفت فهم مدل خط‌مشی‌گذاری ساخت‌گرا در گرو فهم نظریه ساخت اجتماعی واقعیت بوده و فهم دقیق این نظریه تأثیر عمیقی بر به کارگیری صحیح این مدل (اعم از شیوه خط‌مشی‌گذاری، ابزارهای تحقق آن، تعیین حوزه‌های مقبول و مجاز خط‌مشی‌گذاری و...) خواهد داشت.
- ضرورت فوق از سویی و نبود آثاری که مدل - و به تعبیری دقیق‌تر مدل‌های - خط‌مشی‌گذاری ساخت‌گرا را به گونه‌ای جامع - یعنی از مبانی فلسفی تا تکنیک‌های

عملیاتی - تبیین کنند، نگارندگان را بر آن داشت تا با مروری نسبتاً جامع و البته موجز ضمن بررسی ابعاد گوناگون نظریه ساخت اجتماعی واقعیت، مدل‌های خط‌مشی‌گذاری ساخت‌گرا را تبیین کرده و متنی نسبتاً منسجم را جهت فراگیری و به‌کارگیری این نگاه در حوزه خط‌مشی‌گذاری عمومی فراهم آورند.

در همین راستا در فصل اول جهت بررسی زمانه و زمینه‌های معرفتی و اجتماعی نظریه ساخت اجتماعی واقعیت، به گونه‌ای اجمالی تاریخچه و ریشه‌های نظری این نظریه تبیین شده و سپس دلایل ورود این نگاه فلسفی به واقعیت‌های اجتماعی به عرصه علوم اجتماعی بیان خواهد شد و از این رهگذر زمینه لازم جهت فهم جوهره نظریه ساخت اجتماعی واقعیت فراهم خواهد آمد. سپس طی سه فصل و با بهره‌گیری از قالب فلسفی چیستی، چرایی و چگونگی، ابعاد گوناگون نظریه ساخت اجتماعی واقعیت مورد توجه قرار گرفته و تبیین خواهد شد. از همین‌رو در فصل دوم یا فصل چیستی ساخت اجتماعی واقعیت پس از بررسی تعاریف گوناگونی که برای این مفهوم ارائه شده، معنای منتخب آن تبیین خواهد شد؛ موضوعی که ورود به فصل سوم یعنی چرایی ساخت اجتماعی واقعیت را تسهیل کرده و ما را به ارائه تحلیلی دقیق‌تر از چرایی ساخت اجتماعی واقعیت با معنای مورد نظر از آن رهنمون خواهد شد. در همین امتداد در فصل چهارم نیز چگونگی ساخت اجتماعی واقعیت بررسی شده و در این بخش نیز مدل‌های خط‌مشی‌گذاری‌ای که به وجهی از مبانی نظری ساخت‌گرایانه استفاده می‌کنند، معرفی خواهند شد.

در این میان طبیعتاً دو فصل چیستی و چرایی بیشتر متکفل تبیین ابعاد نظری این نظریه بوده و در فصل چگونگی شیوه کاربست این نظریه در حوزه خط‌مشی‌گذاری عمومی مورد توجه قرار گرفته است. در فصل پنجم نیز جهت ایجاد شدن فهمی عمیق‌تر و روشن‌تر شدن - و احیاناً نقد - مبانی نظری و فلسفی نظریه ساخت اجتماعی واقعیت، به مبانی فلسفی این نظریه پرداخته شده و این مبانی در قالب چهارگانه معروف هستی‌شناسی، معرفت‌شناسی، انسان‌شناسی و ارزش‌شناسی تبیین شده‌اند. لازم به ذکر است که نظریه ساخت اجتماعی واقعیت - به عنوان مبانی نظری نظریه‌های ساخت‌گرا در حوزه خط‌مشی‌گذاری - را می‌توان حداقل به دو شیوه مورد نقد و بررسی قرار

داد. یکی نقد از منظر حکمت اسلامی و به ویژه نظریه اعتباریات علامه طباطبایی (ره) و دیگری از طریق نشان دادن عدم انسجام درونی این نظریه در مورد برخی از مدعیات آن. نظریه اینکه نقد و بررسی این نظریه از منظر نظریه اعتباریات فراتر از اهداف این کتاب. یعنی معرفی اجمالی نظریه ساخت اجتماعی واقعیت و تبیین تأثیرات آن بر خط‌مشی‌گذاری. بوده و پژوهشی مستقل را می‌طلبد، در این فصل به نقد اجمالی نظریه ساخت اجتماعی واقعیت از رهگذر تبیین عدم سازواری برخی از مدعیات آن اکتفا شده است. در نهایت و پس از حاصل شدن فهمی عمیق‌تر از نظریه ساخت اجتماعی واقعیت و شیوه خط‌مشی‌گذاری ساخت‌گرا، در فصل ششم و در قالب نتیجه‌گیری‌ای کوتاه شیوه ارتباط نظریه ساخت اجتماعی واقعیت و خط‌مشی‌گذاری ساخت‌گرا، نسبت این مدل خط‌مشی‌گذاری با سایر مدل‌های خط‌مشی‌گذاری عمومی و در نهایت برخی دلالت‌های این نگاه برای خط‌مشی‌گذاری عمومی در جمهوری اسلامی ایران مورد توجه قرار خواهد گرفت.

در پایان سزاوار است تا مراتب تشکر خود را از تمامی کسانی که به گونه‌ای ما را در نگارش این کتاب یاری کردند اعلام کنیم.

از آنجا که این کتاب برگرفته از رساله دکتری‌ای است که در دانشگاه تربیت مدرس به نگارش درآمده است^۱، ابتدا بر خود لازم می‌دانیم که از تمامی مسئولان و دست‌اندرکاران این دانشگاه که به نحوی از انحاء در شکل‌گیری این پژوهش نقش داشتند تشکر کنیم.

همچنین بر خود لازم می‌دانیم از تمامی مسئولان مرکز رشد دانشگاه امام صادق (علیه‌السلام) تشکر کنیم؛ چه آنکه اگر حمایت‌های این مرکز برای شکل‌گیری متن اولیه این اثر وجود نمی‌داشت، این اثر هرگز به صورت فعلی به نگارش در نمی‌آمد.

همچنین مراتب قدردانی خود را نسبت به حجت‌الاسلام والمسلمین دکتر حسین سوزنچی که نسخه اولیه این اثر را با دقت مطالعه کرده و نکات سودمندی را

۱. کتاب حاضر برگرفته از رساله دکتری مرتضی جوانعلی آذر در رشته سیاست‌گذاری بخش عمومی است که در سال ۱۳۹۴ در دانشکده مدیریت و اقتصاد دانشگاه تربیت مدرس به راهنمایی جناب آقای دکتر حسن دانایی فرد و مشاوره آقای حجت‌الاسلام والمسلمین دکتر حسین سوزنچی از آن دفاع شده است.

بیان کردند اعلام می‌کنیم.

این اثر تلاشی است برای برداشتن قدمی بسیار کوچک، برای تحقق هدفی بسیار بزرگ؛ تلاشی که بی‌گمان اگر با توجه‌ها، انتقادات و ملاحظات ارزشمند دغدغه‌مندان این حوزه اصلاح نشده و بهبود نیابد، در ادامه مسیر توفیق چندانی کسب نخواهد کرد؛ از همین رو در پایان پیشاپیش مراتب امتنان، تشکر و قدردانی خود را نسبت به تمامی کسانی که با نظرات و پیشنهادهای خود به اصلاح و بهبود این اثر کمک خواهند کرد اعلام می‌داریم.

وآخر دعوانا ان الحمد لله رب العالمین

حسن دانایی فرد

مرتضی جوانعلی آذر

فصل اول

زمانه و زمینه ارائه نظریه ساخت اجتماعی واقعیت

مقدمه

صحبت از زمانه و زمینه ارائه «نظریه ساخت اجتماعی واقعیت» چندان ساده نیست، چرا که «مفهوم ساخت اجتماعی واقعیت» خودساخته «نظریه ساخت اجتماعی واقعیت» است؛ در واقع نظریه ساخت اجتماعی واقعیت بسته‌بندی جدیدی از مجموعه‌ای از مفاهیم ارائه کرده است که بیش از اینکه مفهوم ساخت اجتماعی واقعیت را توصیف کند، به آن شکل داده و آن را ساخته است؛ به همین خاطر است که می‌توان گفت قبل از ارائه «نظریه ساخت اجتماعی واقعیت» توسط پیتر برگر^۱ و توماس لاکمن^۲ در سال ۱۹۶۶، مفهومی به نام «ساخت اجتماعی واقعیت» نیز وجود نداشته و طبیعتاً هیچ نویسنده‌ای نیز در مورد آن چیزی ننوشته است.

با این وجود رجوعی گذرا به کتاب‌های به نگارش درآمده در مورد ساخت اجتماعی واقعیت بیانگر آن است که مؤلفان این آثار اغلب معتقدند نظریه‌پردازی پیرامون ساخت اجتماعی واقعیت، تاریخی به قدمت تفکر بشری دارد و هرگونه فروکاهش این تاریخ به اندیشه‌ها و آثار به نگارش درآمده توسط برگر و لاکمن فهم صحیح از این نظریه را مخدوش خواهد کرد (وینبرگ، ۲۰۱۴: ۴).

1. Peter Berger
2. Thomas Luckmann

واقعیت این است که هر دو دیدگاه فوق را می‌توان به وجهی درست دانست؛ چرا که به نظر می‌رسد برگر و لاکمن ضمن بهره بردن از سهم یاری‌های فراوان نظریه‌هایی که پیش از ۱۹۶۶ هریک به وجهی به تبیین نظری «واقعیت‌های اجتماعی»^۱ پرداخته بودند، دست به ارائه نظریه‌ای جدید در این مورد زده‌اند و با تمهید و صورت‌بندی زمینه‌های نظری لازم جهت خلق اصطلاحی با نام «ساخت اجتماعی واقعیت»، این اصطلاح را برای توصیف فرایندی که منجر به تولید «واقعیت‌های اجتماعی» می‌شود به کار برده‌اند. در ادامه قوت نسبی این نظریه در تبیین فرایند شکل‌گیری واقعیت‌های اجتماعی موجب مقبولیت یافتن این نظریه (و در نتیجه اصطلاح ساخت اجتماعی واقعیت) در جامعه علمی شده است و در نتیجه این نظریه بر فضای مطالعاتی و پژوهشی جامعه‌شناسی معرفت سایه افکنده و با حرکت تا مبانی این حوزه علمی، بسیاری از اصطلاحات و حتی تاریخچه این حوزه علمی را بازتعریف کرده است.

به همین خاطر است که می‌توان گفت پس از ارائه شدن این نظریه، اندیشمندان با توجه به نظریه ساخت اجتماعی واقعیت به طرح افکنی^۲ بر تاریخ تفکر بشر پرداخته و با ارائه روایتی جدید از این تاریخ، به ارائه تاریخچه‌ای برای این نظریه (فارغ از اصطلاح آن) پرداخته‌اند؛ تاریخچه‌ای که خود ساختی اجتماعی است که توسط جامعه عالمان و با «وقوفی بعد از وقوع»^۳ به نگارش درآمده است (بور، ۲۰۰۳: ۱۰). در ادامه به گونه‌ای موجز به مهم‌ترین نقاط تأثیرگذار این تاریخچه بر ارائه نظریه ساخت اجتماعی واقعیت اشاره شده و احیاناً اصلی‌ترین سهم یاری‌های اندیشمندان مؤثر بر تکوین این نظریه مورد اشاره واقع خواهد شد.

۱. ریشه‌های نظری ساخت‌گرایی در اندیشه متفکران بزرگ غرب

طبیعتاً در این تاریخ‌نویسی، ساخت‌گرایی بیش از اینکه یک نظریه باشد، فرانظریه‌ای است که مجموعه‌ای از باورها را در حوزه هستی‌شناسی و معرفت‌شناسی

1. Social Realites
2. Implotment
3. Hindsight

زمانه و زمینه ارائه نظریه ساخت اجتماعی واقعیت □ ۲۹

عرضه کرده (سیدنژاد، ۱۳۹۲) و رویکردی برگرفته از جریان‌های فکری گوناگون و به ویژه سنت‌های روشنفکری متفاوت سده‌های اخیر به شمار می‌رود (بور، ۱۳۸۹: ۲۸). جریان‌ها و سنت‌هایی که در ادامه به گونه‌ای بسیار اجمالی معرفی شده و سهم‌یاری‌های آن‌ها در ارائه نظریه ساخت اجتماعی واقعیت تبیین خواهد شد.

۱-۱. یونان باستان

همانند بسیاری از مسائل فلسفی ریشه‌های ساخت‌گرایی را نیز می‌توان تا یونان باستان و اندیشه‌های سوفسطائیان و فلاسفه رهگیری کرد؛ چرا که سوفسطائیان معتقد بودند که جهانی که در آن زندگی می‌کنیم ساخته اوهام و تصورات ماست (چاپرک، ۱۳۸۷) و به گفته پروتاگوراس^۱ در این جهان نیز انسان معیار تشخیص همه چیز است (یوسفیان و موسوی کریمی، ۱۳۸۹: ۱۳۱). گزنفون^۲ نیز به عنوان یک فیلسوف معتقد بود که انسان خداوند را مطابق تصورات خود می‌سازد و سپس در برابر این تصورات واکنش نشان می‌دهد (بُرچرت، ۲۰۰۶: ۷۶). این نقل‌قول‌ها و نقل‌قول‌های دیگری که می‌توان از سوفسطائیان و فیلسوفان یونان باستان نقل کرد بیانگر آن هستند که مدعای ریشه داشتن ساخت‌گرایی در آراء اندیشمندان یونان چندان هم بی‌وجه نیست؛ با این وجود واقعیت این است که ساخت‌گرایی به معنایی که امروزه در علوم اجتماعی به کار می‌رود و اشاره به خلق واقعیت‌های اجتماعی توسط انسان‌ها دارد، عمدتاً ریشه در آثار دوران پس از رنسانس دارد و شاید به همین علت نیز هست که اولین بار اندیشمندی ایتالیایی به نام جیامباتیستا ویکو^۳ به این موضوع پرداخته است.

۱-۲. جیامباتیستا ویکو (۱۷۴۴-۱۶۶۸)

به نظر می‌رسد ایده اصلی اندیشه ساخت‌گرایی نسبت به جامعه و تاریخ در آثار ویکو ارائه شده است (داریتی، ۲۰۰۸، ج ۲: ۹۶). ویکو معتقد بود که جهان طبیعی توسط خدا خلق شده و جهان اجتماعی و تاریخ نیز توسط انسان‌ها خلق می‌شود (امیدی،

1. Protagoras
2. Xenophon
3. Giambattista Vico

۱۳۹۲) و ما در هنگام مطالعه آن‌ها در واقع در حال مطالعه ساخته‌های خودمان هستیم (داوری اردکانی، ۱۳۸۹: ۷). وی سپس از این نکته چنین نتیجه‌گیری می‌کند که قوانین این جهان انسان ساخته نیز باید توسط انسان‌ها وضع شود (لاک و استرانگ، ۲۰۱۰: ۱۲).

به‌رغم سیر کامل ویکواز مبانی فلسفی تا نتایج سیاسی - اجتماعی، تحلیل فلسفی عمیقی از واقعیت‌های اجتماعی و شیوه ساخته شدن آن‌ها در آثار وی به چشم نمی‌خورد؛ موضوعی که اندکی بعدتر در نظام فلسفی بنیان نهاده شده توسط ایمانوئل کانت پایه‌های تحلیل نظری آن به‌گونه‌ای گسترده بنیان نهاده می‌شود.

۳-۱. ایمانوئل کانت (۱۷۲۴-۱۸۰۴)

اولین و جدی‌ترین بنیان فلسفی رویکرد ساخت‌گرایی (برچرت، ۲۰۰۶: ۷۶) و به تعبیری گسترده‌تر رویکرد تفسیری^۱ در علوم اجتماعی و حتی باز هم به معنایی گسترده‌تر، تمامی رویکردهای ذهنی در علوم اجتماعی در آثار کانت ارائه شده است (ریتزر، ۲۰۰۷: ۱۰۸۷). کانت با انقلابی کپرنیکی در عرصه معرفت‌شناسی (یوسفیان و موسوی کریمی، ۱۳۸۹: ۱۳۱) و تبدیل وضعیت ذهن انسانی از موضعی منفعل به موضعی فعال در عرصه شناخت جهان پیرامونی (داریتی، ۲۰۰۸، ج ۲: ۹۶) زمینه‌ای بسیار مساعد را برای نظریه‌پردازی‌های اجتماعی در عرصه سنت ایده‌آلیستی آلمانی فراهم آورد.

کانت معتقد بود که باید درون آگاهی انسان اصول سازمان‌دهنده‌ای وجود داشته باشد که از طریق آن کلیه داده‌های حسی، ساختاردهی و مرتب‌شده و در نتیجه درک شوند (واثق غزنوی، ۱۳۸۹). به عبارت دقیق‌تر او معتقد بود که ساختار دستگاه شناخت ما به گونه‌ای است که وقتی ما با یک شیء یا هر امر واقعی دیگر روبرو می‌شویم، تصویر آن را منفعلاً از چشم‌ها به مغز انتقال نمی‌دهیم، بلکه به طور خودکار تجربه خود را از واقعیت بیرونی گزینش، سازماندهی و تفسیر می‌کنیم، به طوری که همه آن چیزی که ما می‌توانیم در مورد آن دانشی داشته باشیم این است که

1. Interpretive

زمانه و زمینه ارائه نظریه ساخت اجتماعی واقعیت ۳۱۵

جهان چگونه از طریق پالایش و نظم تحمیل شده از ناحیه مقولات پیشین ما در آگاهی ما پدیدار می‌شود، موضوعی که فلاسفه پس از او آن را تا چگونگی معنابخشی به جهان توسط انسان‌ها بسط دادند (مکولی و همکاران، ۱۳۸۹، ج ۲: ۵۷۳-۵۷۴).

۱-۴. کارل مارکس (۱۸۱۸-۱۸۸۳)

مارکس معتقد بود که این آگاهی نیست که شیوه زندگی را تعیین می‌کند، بلکه این شیوه زندگی است که به آگاهی تعیین می‌بخشد (چاپرک، ۱۳۸۷) و آگاهی اساساً در تناسب با طبقات اجتماعی تکوین می‌یابد (بروچرت، ۲۰۰۶: ۷۶). همین موضوع زمینه‌ای بود تا مارکس مفهومی به نام ایدئولوژی را وارد تحلیل‌های اجتماعی خود کند و به این نکته پردازد که چگونه شعور کاذب^۱ حاکم بر اذهان مردم یک طبقه می‌تواند آن‌ها را اسیر یافته‌های ذهنی خودشان کند (وینبرگ، ۲۰۱۴: ۵)؛ موضوعی که بعدها توسط مانهایم در جامعه‌شناسی معرفت مورد توجه قرار گرفت و برگرو و لاکمن نیز در تبیین رابطه مفهومی به نام «من اجتماعی» و «آگاهی» از آن بهره بردند.

۱-۵. امیل دورکیم (۱۸۵۸-۱۹۱۷)

دورکیم را می‌توان اولین شخصیت صرفاً جامعه‌شناس (و نه فیلسوف) مؤثر بر رویکرد ساخت‌گرایی دانست. وی قائل به وجود حقیقی جامعه و ساختارهای اجتماعی بود و چنین اعتقاد داشت که حقایق اجتماعی را می‌توان به مثابه اشیایی بیرونی به شمار آورد (ریتزر، ۲۰۰۵: ۷۲ و وینبرگ، ۲۰۱۴: ۴) که می‌توانند بر انسان‌ها به گونه‌ای جبری تأثیر بگذارند (کرایب، ۱۳۸۹، الف، ۶۸-۷۱). وی همچنین شناخت را نیز تابع ساختار اجتماعی می‌دانست (چاپرک، ۱۳۸۷) و همین دو موضوع موجب شد که برگرو و لاکمن ایده‌های دورکیم را در قلب اثر مشهور خود جای دهند و به رغم اذعان به اینکه جامعه محصولی انسانی است، برای آن واقعیتی عینی نیز قائل باشند (ریتزر، ۲۰۰۵: ۷۲).

۱-۶. جرج هربرت مید (۱۸۶۳-۱۹۳۱)

فیلسوف آمریکایی جرج هربرت مید اولین کسی بود که بر اساس رویکرد تعامل‌گرایی نمادین زمینه‌های خوبی را برای نظریه ساخت اجتماعی واقعیت فراهم آورد. وی به واسطه درس‌گفتارها و یادداشت‌های به جا مانده از تدریس‌هایش که چند سال پس از مرگ او توسط شاگردانش با عنوان «ذهن، خود و جامعه» به چاپ رسید به خوبی این نکته را تبیین کرد که چگونه هویت^۱ انسانی در دل تعاملات اجتماعی شکل می‌گیرد (بور، ۱۳۸۹: ۲۱). موضوعی که بعدها توسط برگرو و لاکمن به سایر امور اجتماعی نیز تسری داده شد (برچرت، ۲۰۰۶: ۷۷).

۱-۷. ماکس وبر (۱۸۶۴-۱۹۲۰)

سهم‌یاری وبر در ارائه شدن نظریه ساخت اجتماعی واقعیت را می‌توان در افزودن عنصری ذهنی به نام تفهم^۲ به پژوهش‌های جامعه‌شناسی دانست. وبر معتقد بود که انسان‌ها موجوداتی عامل^۳ هستند که با کنش‌های^۴ خود علاوه بر انجام کارها، معانی خاصی را نیز منتقل کرده و قواعد اجتماعی را خلق می‌کنند و کلید فهم این معانی نیز در اتخاذ رویکردی تفهمی به جامعه‌شناسی است (گیون، ۲۰۰۸: ۱۱۶؛ ریتزر، ۲۰۰۵: ۷۲). ایده‌ای که پس از وبر بر تمامی رویکردهای تفسیری و در نتیجه جریان‌های موجود در رویکرد ساخت‌گرایی تأثیرگذار بوده است.

۱-۸. لودویگ ویتگنشتاین (۱۸۸۹-۱۹۵۱)

به جرأت می‌توان گفت هیچ‌یک از فیلسوفان معاصر همانند ویتگنشتاین متأخر و ابداع فلسفی او در حوزه زبان‌شناسی - یعنی «بازی‌های زبانی»^۵ - در تقویت رویکرد ساخت‌گرایی تأثیر نداشته است؛ تا جایی که برخی معتقدند تمامی جریان‌های گوناگون موجود در رویکرد ساخت‌گرایی ریشه در نظریه بازی‌های زبانی دارند (دهقانی فیروزآبادی و جدیدی، ۱۳۸۹؛ یوسفیان و موسوی کریمی، ۱۳۸۹: ۱۳۱).

1. Identity
2. Verstehen or Understanding
3. Agent
4. Action
5. Language Games

دلیل این مدعا نیز به گونه‌ای اجمالی این است که ویتگنشتاین متأخر به واسطه اعتقاد به «نظریه کاربردی معنا»^۱ معتقد بود که جهان اجتماعی بروزان زبان ساخته می‌شود^۲ (بیگ‌پور، ۱۳۹۰: ۲۲۱) (و به همین خاطر محدودیت‌های جهان ما همان محدودیت‌های زبان ماست) و در نتیجه قرارگرفتن در بازی‌های زبانی متفاوت منجر به خلق جهان‌های اجتماعی متفاوتی خواهد شد (کرایب، ۱۳۸۹: ب، ۱۸۱)؛ تا جایی که تصور هر زبان مساوی با تصور «نوع و صورتی از زندگی»^۳ خواهد بود؛ موضوعی که اندیشه ویتگنشتاین را عمیقاً با رویکرد ساخت اجتماعی معنا و به عبارتی دیگر^۴ ساخت اجتماعی واقعیت گره می‌زند (بیگ‌پور، ۱۳۹۰: ۲۱۵).

۱-۹. کارل مانهایم (۱۸۹۳-۱۹۴۷)

مانهایم را می‌توان از بنیان‌گذاران جامعه‌شناسی معرفت نامید. او معتقد بود فرد به ندرت چیزی را بدون آنکه به برخی از اهداف او مربوط باشد درک می‌کند. این اهداف را هستی‌شناسی فرد به وی می‌دهد. معنایی که هستی‌شناسی ما به ما می‌دهد ما را توانا می‌کند که در بافتی یک‌دست و متشکل، تک‌تک عناصر مشاهده‌تی را که در غیر این صورت جدا از هم می‌مانند، ببینیم. فرد هدف‌دار جنبه‌هایی از محیط را که به او کمک کرده یا مانع او می‌شوند فعالانه جستجو می‌کند و به همین خاطر است که فرد نسبت به آن جنبه‌ها حساس می‌شود. اگر فرد معنایی را در موضوع شناسایی نیابد بدان بی‌توجه خواهد بود و به عبارتی کلان‌تر اگر هستی‌شناسی‌ای بر معرفت تجربی مقدم نباشد این معرفت به کلی تصورناپذیر خواهد بود.

علاوه بر این او بیان می‌کرد که تمامی مردم می‌پذیرند که فرد در جامعه زندگی می‌کند، ولی معمولاً تصور می‌شود این زندگی جمعی تنها نیازهای مادی انسان‌ها را برطرف می‌سازد و هیچ تأثیری بر حوزه‌های روان‌شناختی و به ویژه بر شیوه اندیشیدن

1. Use Theory of Meaning

۲. این درحالی است که ویتگنشتاین متقدم بر اساس «نظریه تصویری معنا» (Picture Theory of Meaning) معتقد بود که این زبان است که بروزان جهان ساخته می‌شود و به عبارت دیگر زبان بازنمود یا آیینه جهان واقع است (بیگ‌پور، ۱۳۹۰: ۱۸۹).

3. A Form of Life

۴. برای فهم این رابطه کافی است رابطه زبان، معنا و واقعیت اجتماعی را در اندیشه ویتگنشتاین متأخر به یاد بیاوریم.

آن‌ها ندارد، حال آنکه واقعیت این است که شناخت نیز به شدت وابسته به زمینه‌های اجتماعی بوده و در بستر آن شکل می‌گیرد (حیدری، ۱۳۸۴: ۱۳۴) و این موضوع، دقیقاً همان مبحثی است که پیتر برگر و توماس لاکمن در «ساخت اجتماعی واقعیت» به بررسی آن پرداخته و تلاش کردند تا فرایند این تأثیرگذاری را تبیین کنند.

هر چند پس از مانهایم هرگز سنت فکری مانهایمی‌ای (نظیر سنت‌های مارکسی یا دورکیمی) در فلسفه پدید نیامد، اما تأثیرات مانهایم بر کار پیتر برگر و توماس لاکمن منجر شد تا این نوع نگاه به معرفت تا عملی‌ترین حوزه‌های علوم اجتماعی نظیر خط‌مشی‌گذاری عمومی جریان پیدا کند، چنانکه اشنايدر و اینگرام (یعنی ارائه‌کنندگان یکی از مدل‌های خط‌مشی‌گذاری ساخت‌گرا) معتقدند پیشینه ساخت اجتماعی را می‌توان تا کارل مانهایم و اثر معروف او یعنی ایدئولوژی و اتوپیا ره‌گیری کرد (اینگرام و همکاران، ۲۰۰۷: ۹۴).

۱-۱۰. آلفرد شوتز (۱۸۹۹-۱۹۵۹)

بی‌گمان شوتز مهم‌ترین متفکری است که بر پیتر برگر و توماس لاکمن^۱ تأثیر داشته است (ریتزر، ۲۰۰۷: ۱۰۸۷)؛ تا جایی که می‌توان گفت عمده مطالبی که در حوزه جامعه‌شناسی معرفت از شوتز نقل می‌شود، در مورد اندیشه‌های برگر و لاکمن نیز صادق است و به علت نزدیکی و تقارب زیاد اندیشه‌های این سه نفر، مبانی و آراء ایشان را می‌توان به عنوان بنیانی برای تاریخ شکل‌گیری جامعه‌شناسی معرفت محسوب کرد (کنوبلاخ، ۱۳۹۰: ۲۲۶-۲۲۷).

مبانی فکری شوتز برگرفته از پدیدارشناختی هوسرل بود و او این سنت را به خوبی وارد پژوهش‌های جامعه‌شناختی کرد. علاوه بر این با مسافرتی که به آمریکا داشت پدیدارشناسی را با عناصر جامعه‌شناسی معرفت عمل‌گرای آمریکایی نیز پیوند زد و از این طریق جریانی فلسفی - جامعه‌شناختی را پدید آورد که ضمن بهره‌مندی از سنت فکری آلمانی، به خوبی با نگاه‌های آمریکایی به معرفت‌شناسی آمیخته شده

۱. این نزدیکی فکری به حدی است که شوتز و لاکمن کتابی مشترک نیز با نام «زندگی - جهان و واقعیت‌های اجتماعی» به نگارش درآورده‌اند.

بود؛ جریانی که جامعه‌شناسی معرفت نئوکلاسیک و ساخت‌گرایی اجتماعی برگرو و لاکمن را می‌توان از نتایج و آثار آن دانست (کنوبلاخ، ۱۳۹۰: ۲۰۷-۲۰۸). دغدغه‌ی ذهنی شوتزاین بود که چگونه انسان‌ها در زندگی روزمره‌ای که دارند جهان را خلق می‌کنند و سپس طوری آن را مسلم فرض می‌کنند که هستی آن را عینی قلمداد می‌کنند. موضوعی که وی آن را در کتاب «معناداری دنیای اجتماعی» مورد بررسی قرار داد و عنوان همین اثر نیز به خوبی بیانگر نزدیکی نگاه شوتز با برگرو و لاکمن در کتاب «ساخت اجتماعی واقعیت» است.

۱-۱۱. پیتر برگرو (۲۰۱۷-۱۹۲۹) و توماس لاکمن (۲۰۱۶-۱۹۲۷)

اصطلاح «ساخت اجتماعی واقعیت» به عنوان یک جهت‌گیری نظری و در قالب نظریه‌ای منقح برای اولین بار در سال ۱۹۶۶ توسط پیتر برگرو و توماس لاکمن و در کتاب «ساخت اجتماعی واقعیت» به کار گرفته شد (سرکار و فیفر، ۲۰۰۶: ۷۷۴). این دو اندیشمند اجتماعی اعتقاد دارند که انسان‌ها و جهان‌های اجتماعی آن‌ها به طریقی با هم تعامل می‌کنند که هم هویت فردی و هم واقعیت تجربه شده را تولید می‌کنند. از نگاه برگرو و لاکمن برای تبیین فرایند ساخت اجتماعی باید به سه عنصر کلیدی برون‌سازی^۱، شی‌گونه‌سازی^۲ و درونی‌سازی^۳ توجه داشت.

برای توضیح بیشتر این نکته می‌توان گفت تنها تعداد اندکی از انسان‌ها می‌توانند به نوعی زندگی درون‌گرا (گوشه‌گیر) را برای خود حفظ کنند؛ بیشتر آن‌ها نیاز دارند از طریق فعالیتی که غالباً در تعامل با دیگران رخ می‌دهد ابراز وجود کنند و از خلال همین ابراز وجود و فعالیت‌های اجتماعی است که انسان‌ها جهان را می‌سازند و معانی مورد نظر خود را هم به صورت واقعیت‌های شخصی و هم مشترک برون‌سازی می‌کنند. کم‌کم این واقعیت‌های برون‌سازی شده به واقعیت‌هایی بین‌الذاتانی تبدیل می‌شوند و از این رهگذر در تصور افرادی که آن‌ها را برون‌سازی کرده بودند شکلی عینی گرفته و شی‌گونه می‌شوند. به دنبال شی‌گونه‌سازی، این امر برای

1. Externalization
2. Objectification
3. Internalization